

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۴ اپریل ۲۰۲۲

## طالبان و مواد مخدر: "چاقو دسته اش را نمی برد"

یکشنبه- ۱۴ حمل ۱۴۰۱ - کابل: هرگاه به خبرهای امروز گوش نموده باشید، حتماً فرمان منسوب به "امیر غایب" طالبان ملا "هبت الله" را شنیده اید. "امیر غایب" در فرمان امروز به علاوه آن که کشت خشخاش- کوکنار و تولید مواد مخدر را از تاریخ امروز ممنوع کرد رسماً اعلام داشت که: «استعمال و انتقال، خرید و فروش، واردات و صادرات و کارخانه‌های تولید هر گونه مواد نشئه‌آور – شراب، هیروئین، شیشه، تابلت K، چرس – جداً ممنوع است». در یادداشت امروز مکث کوتاهی در همین زمینه خواهیم داشت:

۱- از آن جایی که نظام ملاسالار ادعای حاکمیت دینی، نمایندگی از خدا و به مثابه خلیفه برگزیده از جانب خدا جهت آوردن وحدانیت و عدالت بر روی زمین را دارند، لذا انتظار می‌رفت که آنها وقتی راجع به مواد مخدر و تولید خشخاش، تریک، چرس و بنگ و الکحل صحبت می‌نمایند و فرمانی صادر می‌کنند، می‌بایست نخست راجع به حرمت و یا عدم حرمت آن موضع می‌گرفتند، یعنی این که صریحاً می‌گفتند که آیا تولید انواع و اقسام مواد مخدر از کشت نبات آن گرفته تا صنعت و فروش آن "حلال" است و یا "حرام"، نه این که در عقب یک نهاد حاکمیتی خود را مخفی نموده، آن را "صرف ممنوع" اعلام بدارند.

طالب و نظام ملا سالار باید با صراحت بگویند که آیا تولید مواد نشئه آور را حرام می‌داند و یا حلال. اگر آن را "حرام" می‌داند در حکم "حرمت" آن را صراحت بدهد و همزمان با آن به مردم افغانستان پاسخ دهد که تجمع هزاران "حرامخور" را در صفوف، کادرها و رهبری طالب چه گونه می‌بیند و پول عشر و نکاتی که از ممر حرام جمع شده چقدر حلال و قابل استفاده است و اگر "حلال" می‌داند به مردم پاسخ دهد که چرا، آنچه را از دید آنها خدا حلال دانسته، اشتغال بدان را منع می‌نمایند و کدام مرجعی به آنها اجازه داده تا آنچه را به فهم آنها خدا حلال دانسته، از انجام آن جلوگیری نمایند.

۲- این حرکت طالب چیزی به جز یک حمله تبلیغاتی جهت رهائی از فشار مسدود ساختن مکاتب دختران نمی‌باشد. یعنی به دنبال آن که طالب از بازگشائی مکاتب دختران امتناع ورزید، همه شاهدیم که در کنار سر و صدا های نچندان بلند و سازمانیافته در داخل افغانستان، در ساحه بین المللی سخت زیر فشار قرار گرفت. طالب که بنا بر ماهیت طبقاتی و موقف طبقاتی اش در نیرنگ و فریب، در مسیر "اکرم المکارین" ره می‌پوید، جهت رهائی از فشار بین المللی به صدور چنین فرمان فریبنده ای اقدام نموده، بدون آن که کدام اعتبار اجرائی داشته باشد.

۳- با در نظر داشت این که عمده ترین بخش مافیای مواد مخدر در افغانستان در ولایات هلمند، زابل و قندهار تمرکز یافته و این مناطق کلاً نه تنها منطقه نفوذ و پایه های توده ئی طالب را می سازند بلکه اکثر قومندانه های طالب که همین اکنون فرمان می رانند خود بخشی از گردانندگان مافیای مواد مخدر در افغانستان را می سازند، این فرمان طالب می تواند بر مبنای انگیزه های خاصی صادر شده باشد. از جمله:

\*- صدور فرمان بیشتر از آن که به غرض کنترل مواد مخدر باشد، به علت تضاد های درونی نظام ملاسالار و در خدمت یک جناح از قدرت آنها صورت گرفته است. یعنی جناح "باند حقانی" علی رغم آن که در کشت، تولید و فروش مواد مخدر در شمال افغانستان بخشی از مافیای آن منطقه را می ساخت و می سازد تصمیم گرفته است تا جهت زدن رقبای "درانی" و قندهاری اش، نخست بر نان و دسترخوان حریفان حمله ببرد و با گرفتن نان طرفداران جناح رقیب، آنها را از پشتوانه و حمایت مافیای مواد مخدر محروم ساخته، بعداً با آنها تصفیة حساب نماید. از همین رو می بینیم که این اعلامیه با تمام اهمیتی که دارد و می بایست مستقیماً از جانب "دفتر امارت" و یا حد اقل "رئیس الوزراء" اعلام می شد، از طریق وزارت داخله اعلام گردید. این یعنی تمرکز مبارزه علیه کشت، تولید و تجارت مواد مخدر در دست "حقانی" ها قرار گرفتن.

\*- هرگاه صدور این فرمان در خدمت حل تضاد های درونی طالب و نظام ملاسالار به نفع یک جناح نباشد، از آن جایی که اکثریت قومندان طالب به خصوص آنهایی که از جنوب غرب برخاسته اند خود در رأس مافیای مواد مخدر قرار دارند و منع مواد مخدر یعنی منع کسب و کار و درآمد آنها و این یعنی "چاقو دسته اش را بریدن" است؛ پس گفته می توانیم که نظام ملاسالار به همان سان که با باز و بسته نمودن مکاتب دخترانه با کشور های امپریالیستی غرب بازی موش و گربه را به راه انداخته و می خواهد از آنها مبالغی را دریافت دارد، اینبار با علم کردن مبارزه علیه مواد مخدر از کشت تا صنعت و تجارت آن، به نحوی خود را برای دولت های امپریالیستی صادق و مسؤول نشان داده، تلاش دارد با این بهانه مقداری پول از آنها به دست آورد. اتخاذ چنین سیاستی می تواند همزمان با کاستن مقدار تولید و تحدید اراضی زیر کشت کوکنار و خشخاش، منتج به بالا رفتن نرخ ها شده، بر مبنای قانونمندی کاهش عرضه، ازدیاد و یا حفظ تقاضا و افزونی قیمت به مانند دوران حاکمیت اولش که ساحه کشت خشخاش و کوکنار را محدود ساخت و قیمت ها را بالا برد، منافع گردانندگان این تجارت مرگ را صیانت نماید.

\*- هرگاه طالب با چنین انگیزه ای چنین فرمانی را صادر نموده باشد، بدان معناست که علی رغم چهل سال گدائی هنوز هم پنجشنبه و جمعه را نمی داند. یعنی طالب نمی داند که با صدور چنین فرمانی نه تنها به ده ها و صدها قومندان و هزاران خانواده دهقانی را که از بابت کشت خشخاش امرار حیات می نمایند، به دشمن خود مبدل می سازد بلکه مافیای بین المللی مواد مخدر را که از "برکت" کشت خشخاش- کوکنار در افغانستان طی این مدت به صد ها میلیارد دالر کمائی نموده اند نیز با خود دشمن می سازد.

هموطنان گرامی!

این که تولید، صنعت و تجارت هر نوع مواد مخدر به مانند تولید و تجارت تسلیحات، ضد انسانی است و می باید ریشه کن شوند در آن هیچ شکی وجود ندارد، مگر این که بخواهیم دهقان دردمند افغانستان را بدون کمک و یا کشت بدیل و جبران خساره از تولیدش باز داریم نیز چیزی به غیر از جنایت آشکار نیست. هیچ نظامی در افغانستان حق ندارد بدون جبران خساره و عرضه کشت بدیل، زیر نام مبارزه علیه مواد مخدر، میلیونها هموطن ما را که از همان طریق امرار معاش می نمایند و خود چیزی به جز بازیچه دست مافیای بین المللی مواد مخدر نیستند، محروم نماید.

طالب و نظام ملاسالار اگر به کاری که می کنند به درستی آن باور دارند، جرأت نموده آن را حرام اعلام دارند، تا مردم خود و با انگیزه مذهبی درونی خویشان را خویش را کنترل نمایند، در غیر آن حق ندارد برای خوشنودی مولدین سلاح های مرگبار، دهقان گرسنه ما را قربانی نماید.

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**